

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباوچ

ربی مناخم مندل شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

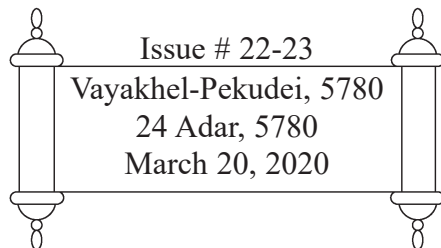
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center



Friday, March 20, Light Shabbat Candles, by 6:46 p.m.
Saturday, March 21, Shabbat ends at 7:51 p.m.
(Times are for Los Angeles)

۴- فرمان خداوند و انجام آن

و دومین برداشت از الحاق این دو پاراشا با هم این است که مابین فرمان خداوند به مُشه (که در پاراشاهای تروما و تصوه عنوان شد) و فرمان مُشه به بیسرائل ها و انجام آن (که در پاراشاهای ویقهل و یقودی عنوان شده است) حوادث عنوان شده در پاراشای «کی تيسا» و ساختن گوساله طلایی می تواند اتفاق بیافتد. اما زمانی که فرمان خداوند توسط مُشه در ویقهل وارد جهان شد. دیگر هیچ چیز نمی تواند از انجام فوری آن جلوگیری کند (پاراشای یقودی) حتی زمانی که این دو پاراشا با هم خوانده نمی شوند. به دیگر تعبیری حتی زمانی که غرایز بد انسانی یک خلأئی را مابین فرمان الهی و انجام فرمان الهی ایجاد می کند. این خلأ دارای هیچگونه موجودیتی نیست و نمی تواند ما را منحرف کند. زمانی که مُشه ربنو یا جانشین های او در هر نسل و دورانی فرمان خداوند را اعلام می کنند انجام آن تضمین شده است و خود فرمان بخودی خود قولی است برای انجام آن و اطمینان از اینکه "جلال حضور خداوند میسکان را پر خواهد کرد." (منبع: لیکوتی سیخوت جلد سوم ص ۹۳۳ الی ۹۳۶) (Source: Likkutei Sichot, Vol. 3, pp. 933-936)

۱۰-لیکوتی زوهر - تیكون ۶۹ (۱۱۴ الف) - برشیت ربا ۷-۵۶

JEWISH CHILDREN:

Get your own letter
in a Sefer Torah!

<http://www.kidstorah.org>

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.org>

e-mail: cpycenter@sbeglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

دعوت می کند که از پوسته خودش خارج شده و آن لایه خودپرستی و جدایی از خداوند را بشکند. اما جواب پایانی خداوند از درون می آید و در میشکان وجود انسان جریان یافته و آنرا با جلال خداوند پر می کند. و این صدای پیام یقودی می باشد.

۳- دوهفته در یک هفته

حتی اگر چه این حضور الهی در پاراشای یقودی مهم تر و بالا تر از پاراشای یقهل می باشد (مرحله جواب انسان و آمادگی او) ولی هنوز هر دو پاراشا اغلب در یک هفته خوانده می شوند. علت آن است که بخاطر کمبود وقت ما می بایست آنچه را که طبعاً در دوهفته می بایست کسب کنیم در یک هفته بگیریم.

این به معنای آن نیست که ما نظم و ترتیب زمانی را کنار بگذاریم چرا که میشکان اساساً یک "محل سکونت در دنیای پائین" یعنی در ابعاد انسانی در مکان و زمان انسانی بود. بلکه به معنای آن است که در بُعد زمان ما نمی بایست بوسیله زمان محدود بشویم.

در اینجا مابین پاراشا و ماه ادار یعنی ماهی که اغلب این پاراشاها در آن قرار می گیرد رابطه ای وجود دارد. همانطور که همه میدانیم ماه ادار ماه پوریم است و پوریم همیشه در روزهای هفته یعنی روزهایی که ما میتوانیم کار کنیم واقع میشود. هدف اصلی پوریم آن است که ما به مرحله ای برسیم که "انسان آنچنان خوشحال بشود که تفاوت مابین برکت باد مردخای و نفرین باد هامان" را نتواند تشخیص بدهد و این به معنای رسیدن به مرحله ای بالاتر از منطق است، مرحله ای بالاتر از علم و دانش و حدی که منطق ارائه میدهد. بنابراین پوریم مظهر رسیدن به ورای محدودیت ها در زمانی که انسان در حال انجام وظایف روزانه و هفتگی خود است، می باشد. همچون بی نهایتی که در قلب نهایت وجود دارد.

به این ترتیب اولین برداشت از متصل بودن پاراشاهای یقهل و یقودی، متصل بودن آمادگی انسان و حضور الهی است به عبارت دیگر این اتصال سمبلی است از ملاقات بی زمانی نامحدود با زمان محدود. ملحق شدن انسان و خداوند. و این هر دو مراحل است از آماده شدن و ساختن زمینه اولیه برای ایجاد حضور خداوند در آینده. زمانی که بقول یسعیا^۸ من پنجره های شما را از لعل (کد کودک) خواهم ساخت که در مورد آن تلمود می گوید^۹ خداوند متبارک فرمود "بگذار که این همچون آن باشد". (کدین اوکدین) یعنی زمانی که انسان و خداوند یکی می شوند.

۸- یسعیا ۱۲-۵۴ ۹- بابائرا ۷۵الف در لیکوتی تورا و رته درباره آن بطور مفصل توضیح داده شده است

ویَقْهَل

پاراشای این هفته با گردهم آبی بیسرائل ها در روز کیبور آغاز میشود که در این گردهم آبی مُشه فرمان مربوط به شبات را دوباره برای آنها باز گو می کند. این مبحث در توضیح کلمات «شش روز کار انجام بشود» یکی از بزرگترین مسائل ایمان یهودی را مورد توجه قرار میدهد. اگر خداوند منشاء و منبع همه برکات است پس برای گذران زندگی چه لزومی به کار کردن است؟ و اگر باید کار کنیم چگونه از این طرز تفکر اجتناب کنیم که این تنها کارماست که نتایج مادی را برای ما فراهم می کند؟ در اینجا مابین دو طرز تفکر، کاملاً مفعول بودن انسان در جهان و انکار وجود خداوند در جهان روبرو می شویم. در این مبحث مفهوم "کارمفعول" ارائه شده که در آن، این تضاد و سردرگمی از بین میرود. و همچنین مفهوم تازه ای از معنای واقعی شبات عنوان میشود.

۱- گردهم آبی

پاراشای ویَقْهَل با این کلمات آغاز میشود "و مُشه تمامی افراد بنی بیسرائل را گردهم آورد و به آنها گفت اینها هستند مطالبی که خداوند گفته است که آنها را انجام بدهید. شش روز کار انجام بشود و روز هفتم برای شما مقدس باشد. شبات شباتون است برای خداوند...". با این مطلب سئوالات و موضوعات بسیاری مطرح میشود که بعضی از آنها بوسیله مفسرین توضیح داده شده اند.

اولاً: چرا از کلمه گرد هم آبی (ویَقْهَل) استفاده شده است؟ کلمات معمول و همیشگی که در واقع در چند پاسوق بعد وجود دارد و برای جمع آوری هدایا برای میشکان از آن استفاده شده کلمات "مشه با تمام جماعت بنی بیسرائل صحبت کرد" می باشد.

ثانیاً: موضوع با کلمات "اینها مطالبی هستند که خداوند دستور داده است" آغاز میشود اما مشخص نمی کند که این مطالب چه هستند؟ بیشتر مفسرین کلمات "اینها مطالبی هستند" را اشاره به هدایا، برای بنا کردن میشکان تصور می کنند. قبول این مطلب مشکل است به این علت که قبل از اینکه این هدایا برای میشکان نام برده شود تورا چندین مرتبه این پاسوق را که "مشه تمامی این مطالب را به بنی ایسرائل گفت را تکرار می کند که مشخص می کند که پاسوق بالا مربوط به مطالب دیگری بوده و اشاره به موضوع جداگانه ای می کند. و این موضوع بطور ضمنی

اشاره می کند که کلمات "اینها مطالبی هستند که خداوند دستور داده است"، مربوط به موضوعی می شود که فوراً بعد از آن می آید یعنی، اجتناب از کار در روز شبات. اما این مطلب مشکل دیگری را ایجاد می کند و آن اینکه نگهداری شبات قبلاً در ده فرمان عنوان شده است. ثالثاً: اهمیت تکرار کلمه شبات در جمله "شبات شباتون" چه می باشد؟ که این دو کلمه به معنای "شبات استراحت کامل" ترجمه شده است.

رابعا: راشی، تلمود، میدراش^۱، و زوهر^۲ همگی می گویند که این گرد هم آیی در فردای روز کیپور زمانی که مشه ربنوبادومین لوحه های تورا از کوه سینای پائین آمد برقرار شده است. این مطلب به ما می گوید که مابین روز کیپور (که به معنای روز بخشش گناهان است) و این روز گردهم آیی رابطه ای وجود دارد و این روز همان روزی است که خداوند به مشه گفت: "آنها را بخشیدم برطبق کلام تو". که کفار گناه گوساله پرستی می باشد. پس بنابراین چه ارتباطی مابین آنهاست؟

۲- کار مفعول

به عنوان اولین قدم در جواب به سئوالات بالا ما می بایست عقاید مفسران در مورد استفاده از نوع مفعول، فعل «انجام دادن» در پاسوق «شش روز کار انجام بشود» را توضیح بدهیم اگر این کلمه بصورت فاعل آمده بود باید اینگونه عنوان میشد که "شش روز کار انجام بدهید" که معنای آن، داخل شدن در کار و اشتغال به کار می باشد. این حالت مفعولی فعل "انجام دادن" به ما این مطلب را میرساند که کار بخودی خود انجام خواهد شد. در مسخت مخیلتا در گمارا در مورد این پاسوق آمده است که "زمانی که بیسرائل ها خواسته خداوند را انجام میدهند، کار آنها بوسیله دیگران انجام میشود". در واقع این پاسوق اشاره به برکتی می کند که خداوند برای آنها می فرستد. اما این کلمات می تواند اشاره به حالتی که یک فرد یهودی در حال انجام کار باید داشته باشد نیز بکند به این معنا که در مدت شش روز کار او می بایست مشغول کار باشد ولی همه وجود و ذهن او نمی بایست منحصر و متمرکز به کار بشود.

در تهیلیم^۳ آمده است که "حاصل دسترنجت را بخور خوشحال و خوبی از آن توست". در حاسیدوت^۴ این کلمات اینگونه تفسیر شده است که کاری که انسان برای رفع نیازهای مادی اش مشغول به آن میشود می بایست فقط توسط دستهای او انجام شود و نه ذهن فکر و روح

جلال الهی خواهد بود اما در مقایسه با آن حضور جلال الهی که میشکان را پر کرد، یعنی حالتی که از طریق مختص کردن میشکان با روغن مخصوص و آوردن هدایا ایجاد شد این حالت بسیار بسیار ناچیز بود. مواردی وجود دارد که ما می گوئیم که آماده شدن برای انجام میصوا خود یک عمل مقدسی است^۳ اما در مقایسه با پائین آوردن حضور الهی به این دنیا آماده شدن برای انجام میصوا اصلاً قابل مقایسه با انجام خود میصوا نمی باشد.^۴

و این مطلب در مورد آمادگی برای ساختن میشکان و وسایل آن یعنی پاراشای و یقهل بسیار صادق است. برای آنکه آنها زمانی مقدس شدند که بوسیله روغن مخصوص مسخ شدند و یا مورد استفاده قرار گرفتند.^۵ یعنی آنچه که در پاراشای یقودی عنوان میشود. بنابراین آن الهام و کیفیتی که از حضور جلال الهی با مقدس کردن میشکان فراهم آمد بینهایت بالاتر و بیشتر از کیفیتی بود که در زمان آماده شدن برای انجام آن ایجاد شد.

به این ترتیب موضوعات اساسی این چهار پاراشا که به میشکان و وسایل آن^۶ مربوط می شوند اینها هستند.

تروما و تصوه فرمان خداوند در مورد ساختن میشکان را عنوان می کنند. تروما فقط سخن از میشکان، و وسایل آن می کند و تصوه از لباس های مخصوص کهنیم.

ویقهل در مورد این که مشه این فرمان را به بیسرائل ها منتقل می کند صحبت می کند و اینکه بیسرائل ها این فرمان را انجام میدهند و بالاخره یقودی جواب خداوند را اطلاع میدهد که چگونه حضور خداوند میشکان را پر می کند.

در اینجا ما در رابطه انسان با خداوند نیز به سه مرحله برخورد می کنیم^۷ سه طریق که بوسیله آن ارتباط انسان با خداوند شکل گرفته پیشرفت می کند. مرحله اول شروع حرکت می باشد که از طرف خداوند ایجاد می شود. "بیداری از بالا" حالتی که راه را برای انسان باز می کند که خودش را با خواسته خداوند متحد کند. مرحله دوم: جوابی است که انسان به این فرمان خداوند می دهد «بیداری از پائین» که در آن او این فرمان را اطاعت می کند و در دنیای وجود خودش و در دنیای بزرگ خارج از وجودش یک مکان خالی "خالی از غرور و تکبر و اینکه من می توانم خودم را به کمال برسانم" برای حضور خداوند که در آنجا ساکن شود ایجاد می کند. و مرحله سوم بالاخره جواب الهی داده میشود و جلال خداوند در فضا و مکان انسانی حضور می یابد.

فرمان الهی که حرکت آغازین خداوند است همچون صدایی از خارج ظاهر میشود و انسان را

۳- رجوع شود به "ملوه روئیم" و انسیکلوپدیا تلمودیت تحت عنوان "هزماتا" ۴- شعاری او را "معمر" یاواو لووش ملخوت فصل هفتم ۵- شاورعوت ۱۵ الف ۶- رجوع شود به ربان شموت ۸-۳۶ ۷- لیکوتی تورا شیر هشیریم ۲۴ الف

همانگونه که دو پاراشای قبلی تروما و تصوه شامل فرمان خداوند برای ساختن میشکان و چگونگی ساختن آن و وسایل آن میباشد. این دو پاراشا نیز چگونگی ساخته شدن میشکان و وسایل آن توسط بیسرائل ها را توضیح میدهند. اما اگر دو پاراشای تروما و تصوه دارای یک موضوع مشترکی هستند ولی در توضیح هر کدام مطالب مختلفی را به ما می گویند: همانگونه نیز در یقهل و یقودی اگر چه هر دو در مورد ساخته شدن میشکان و وسایل آن توسط بیسرائل ها صحبت می کنند، ولی این دو پاراشا هر کدام دارای مطالب و نکات مهم و کاملا مختلفی هستند.

۲- آمادگی و الهام

تفاوت مابین پاراشاهای یقهل و یقودی این است که در یقهل تورا درباره اینکه چگونه مشه بیسرائل ها را جمع کرده و فرمان خداوند را در مورد ساختن میشکان و وسایل آن به آنها داد صحبت می کند و اینکه چگونه بیسرائل ها خود را آماده ساختن آن کردند. در پاراشای یقودی صحبت درباره مقدار و نوع هدایای داوطلبانه مردم برای ساختن میشکان است. و اینکه این هدایا از طلا نقره و مس داده شدند و چگونگی استفاده از آنها توضیح داده شده است. این پاراشا توضیح میدهد که چگونه میشکان و وسایل آن با روغن مسخ شدند و چگونه این اعمال موجبات حضور خداوند را فراهم آورد. و "ابر چادر را پوشانید و جلال حضور خداوند میشکان را بر کرد."^۲

نکته اساسی در پاراشای یقهل عمل و عبادت انسانهاست به این معنا که چگونه بیسرائل ها میشکان را با دارایی شان با نیروی بدنی شان و وجودشان درست کردند. آنها از دارایی شان سیزده و یا بقولی پانزده هدیه برای میشکان آوردند. باتن و بدنشان برای میشکان کار کرده و زحمت کشیدند و از وجودشان، قلبشان، عقل شان و تمامی روحشان مایه گذاشتند و تورا درباره آنها شهادت میدهد که همه اینها در ساختن میشکان شرکت داشتند. ولی باز همه اینها تماما کار و زحمت انسان بود. آنچه که پاراشای یقودی اضافه می کند جوابی است که خداوند به این زحمت ها میدهد. "حضور و جلال خداوند میشکان را بر کرد."

اگر چه کاری که در پاراشای یقهل صحبت از آن می کند موجبات حضور جلال خداوند را فراهم آورد برای آنکه هرگونه عملی که به عنوان قسمتی از عبادت خداوند انجام میشود نتیجه اش حضور

انسان را در بر بگیرد. افکار و احساسات او می بایست همیشه با تورا و میصوت مشغول باشد و تنها در این صورت است که این پاسوق "خوشابحال تو و خوبی از آن توست" شامل حال او میشود همانگونه که بزرگان ما گفته اند^۵ "خوشابحال تو" به زندگی در این جهان مربوط می شود و "خوبی از آن توست" به زندگی جهان آینده.

این تفسیر همچنین در مورد پاسوق، "شش روز کار انجام بشود نیز بکار برده میشود" این حالت مفعول کلمه "انجام بشود" به ما می گوید که قلب و فکر انسان می بایست در جای دیگری مشغول تورا باشد و تنها نیروی دستهای ما یعنی نیروهای عملی ما می بایست مشغول کار باشد. و حتی از آنها نیز فقط می بایست برای آنکه کار را به عنوان وسیله ای و یا ظرفی تبدیل کنند استفاده کرد. وسیله و ظرفی که با آنها برکات خداوند دریافت بشود و این معنای این کلمات تورا است که می گوید "خدای خالق تو ترا در تمامی کارهایت برکت کند". انسان از طریق برکات خداوند است که زندگی می کند و نه بوسیله کوشش و تلاش خودش. کار و تلاش او تنها یک راه طبیعی را ایجاد می کند که این برکات از طریق آن به ما برسد. و او می بایست بخاطر داشته باشد که کار او چیزی بیش از ایجاد این راه نیست. اگر چه دستهای اوست که این راه را آماده می کند، چشمان او می بایست همواره بطرف خداوند یعنی منشاء این برکات باشد.

در حقیقت انسان نمی بایست کار میکرد برای آنکه در مورد خداوند گفته شده است که "جلال او تمامی جهان را پر کرده است". و همچنین "من تمامی آسمانها و زمین را پر می کنم". عکس العمل شایسته و درست در مقابل حضور دائمی خداوند آن است که انسان در مقابل او حالت مفعولی مطلق بخود بگیرد. هرگونه عکس العمل دیگری خطاست. خطایی که ربانیم آنرا به نوعی خود نمایی در زمانی که انسان در حضور پادشاه ایستاده است^۶ تشبیه می کنند که ممکن است توسط پادشاه به نوعی بی احترامی تعبیر شود. تنها بخاطر آنکه تورا این اجازه را به ما میدهد و در واقع به ما فرمان میدهد که کار کنیم است، که کار حالت مشروع به خود می گیرد. در تورا آمده است که "شش روز کار کن" و همچنین "خدای خالق تو. ترا در تمامی آنچه که انجام میدهی برکت کند". تورا اجازه میدهد که آنچه را که لازم است انجام بشود انجام بدهیم ولی انجام بیشتر از چیزی که لازم است در وحله اول نشان دهنده عدم ایمان کامل به خداوند است که اوست که معاش انسان را فراهم می کند و در وحله دوم مانند آن است که انسان بخواهد در حضور پادشاه خودی نشان بدهد که ممکن است که نوعی تمرد تعبیر شود.

۳- معنای کار

باتوجه به مطالب بالا درک جمله تهیلیم که می گوید "حاصل دسترنجت را بخور" مشکل میشود حاصل دسترنج یک فرد یهودی در دنیای مادی تنها او را آماده میکند که برکات الهی را دریافت کند و فاقد اشتغال درونی بوده و از آن لذتی نمی برد. همچنین در روانشناسی اصل مهمی^۷ وجود دارد که می گوید کاری که انسان از انجام آن لذت می برد هرگز انسان را خسته نمی کند و برعکس انجام کاری که انسان آنرا دوست ندارد او را بسیار خسته و افسرده می کند. بنابراین برای هر فرد یهودی که لذت زندگی او کسب بیشتر روحانیت می باشد و اشتغال در دنیای مادی به او تحمیل شده است کار یک عمل خسته کننده بوده و او را افسرده می کند. حتی اگر چه این یک فرمان امر است^۸ که "شش روز کار کن" کار بخودی خود و به هر اندازه ای که او خودش را مشغول آن کند، او را از روحانیت دور می کند و بنابراین برای او یک عمل خسته کننده و کسل آور می باشد.

۴- شبات دو برابر (شبات شباتون)

بنابراین این مطلب معنای عمیق پاسوق "شش روز کار انجام بشود و روز هفتم برای شما مقدس بوده، شبات استراحت کامل است" می باشد. شش روز کار روزهای آماده شدن برای روز هفتم هستند. برای آنکه روز شبات، روز استراحت واقعی انسان باشد (شبات شباتون) آن روز می بایست بدنال شش روز کار بیاید. اما این کار باید بصورت مفعول باشد که در آن تمرکز واقعی انسان در جای دیگری است. در شولحان آروخ^۹ آمده است که "روز شبات انسان باید اینگونه تصور کند که تمامی کارهایش کاملا انجام شده است". چنانچه انسان در مدت شش روز خودش را بیش از اندازه متوجه امور مادی بکند در روز هفتم نگرانی ها او را رها نخواهد کرد و او نمی تواند در خواندن تورا و انجام تفیلا افکارش را پاک و متمرکز نگاه داشته تا به این وسیله متوجه جلال الهی بشود. او راه را برای انحرافات باز گذاشته است و به این وسیله افکار مادی به او هجوم می آورند. اما اگر در عرض هفته او آن مقدار اهمیت برای کارش قائل بشود که شایسته آن است و نه بیشتر، نور شبات وجود او را روشن میکند و شبات او به شبات استراحت کامل (شبات شباتون) تبدیل میشود.

۷- رجوع شود به معر "کار و هوشم" ۵۶۹۰ ۸- مخیلتا ۹- شولحان آروخ هاراو / اورخ خنیم ۳۰۶-۲۱

پقودی

چهار پاراشا از آخرین پنج پاراشای قبل، به چگونگی ساختن میشکان و وسایل آن مربوط میشود. تفاوت مطالب این پاراشاها با هم چه بوده است که می بایست در چهار پاراشای جداگانه عنوان بشوند؟ مابین دو پاراشای اولی (تروما و تصوه) و دو پاراشای دومی (ویقهل و پقودی) تفاوت آشکاری وجود دارد. چرا که اولی صحبت از فرمان درست کردن میشکان می کند و دومی از انتقال این فرمان به بنی یسرائل و چگونگی انجام شدن آن. اما چه تفاوتی مابین پاراشای ویقهل و پقودی وجود دارد؟ و چه موضوعی آنها را به هم مربوط می کند که اغلب اوقات آنها در یک هفته باهم خوانده میشوند؟ اینها مطالبی است که در این مبحث از آنها سخن گفته شده است و تحقیق در مورد این مطالب به کشف چگونگی رابطه انسان و خداوند منجر میشود.

۱- ویقهل و پقودی

از آنجا که تورا کلام خداوند است همه مطالب و جزئیات آن دقیق و دارای معناست و هیچ موضوعی در آن تصادفی نیست. این مطلب در مورد تقسیم تورا به پاراشاهای مختلف هم صادق است علت تقسیم کردن تورا به پاراشاهای مختلف آن بوده که هر پاراشایی دارای اهمیت و مطالب خاص خودش می باشد، و همین موضوع در مورد نام پاراشاها هم صدق می کند. اینطور نیست که نام پاراشاها بدون منظور، فقط از اولین کلمات آغازین پاراشا گرفته شده باشد. بلکه نام آنها دقیقا معین کننده مطالب درون پاراشاها هستند به همین علت است که معمولا نام آنها در بین اولین کلمات آغاز کننده پاراشا می باشد.

و این معنای عقیده ای در زوهر است که می گوید^۱ "پنجاه و سه پاراشا در تورا وجود دارد. که این عدد عددیست ثابت و دائمی". و در سالهای تقویمی نیز که دو پاراشا در یک هفته خوانده میشود این تعداد تغییری نمی کند. هر پاراشایی دارای نکات و اهمیت خاص خودش است و خواندن گاه بگاه دو پاراشا در یک هفته تنها به این معناست که بعضی اوقات دو مطلب مهم در یک هفته خوانده میشود.

به این ترتیب مشخص است که دو پاراشای ویقهل و پقودی حتی اگر چه در بعضی سالها با یکدیگر و همزمان خوانده میشوند، هر کدام برای خودشان دارای پیام مشخصی هستند.

۱-بخش اول ۱۰۴ ب تیکونی زوهر تیکون ۱۳ (۲۹ ب)

۶- حالت مفعولی در روحانیت

این طرز فکر اشتباه در روحانیت نیز همچون در دنیای مادی وجود دارد. در بیرکی آووت آمده است^{۱۴} که "همچون غلامانی نباشید که آقای خود را برای گرفتن مزد خدمت می کنند". انسان ممکن است فرامین تورا را صرفاً برای کسب لذت روحانی انجام بدهد. ولی بالاترین نوع عبادت خداوند آن است که صرفاً برای خود خداوند و بدون انتظار انجام شود. و این بصورت کار مفعولی ایست که در بالا آنرا ذکر کردیم. این حالت همچون کار و زحمت است چرا که بخاطر کسب لذت و چیزهای دیگر انجام نمی شود. و آن حالت مفعولی دارد چرا که انسانی که به این طریق خداوند را عبادت می کند دست آوردهای روحانی اش را حاصل کار و زحمت خود نمی داند بلکه حاصل کمک و یاری خداوند تلقی می کند. زمانی که او وجودش را برای حضور خداوند بازنگاه میدارد. خداوند به او جواب میدهد و در این راه به او کمک می کرده و این کمک و یاری حتی قبل از انجام فرمان خداوند به او میرسد. ربانیم این جمله از کتاب ایوب را که می گوید^{۱۴} "چه کسی نزد من آمده است که من می بایست به او پرداخت کنم". را به این ترتیب تفسیر می کنند^{۱۵} "چه کسی برای من خانه ای ساخته است قبل از آنکه من برای او سقفی ایجاد نکرده باشم چه کسی برای من مزرعه گناشته است قبل از آنکه من برای او خانه ای فراهم نکرده باشم چه کسی برای من صیصیت گناشته است قبل از آنکه من برای او لباس تهیه نکرده باشم". مفعول بودن در زندگی روحانی به معنای آن است که انسان خودش را صرفاً به راه و وسیله ای تبدیل کند که بتواند روحانیت را دریافت کند.

۷- گردهم آیی و وحدت

و بالاخره ما می توانیم درک کنیم که چرا تورا از عبارت "گرد هم آوردن" بجای کلمه "گفتن" استفاده کرده است. این واقعه در روز بعد از کیبور اتفاق افتاد روزی که گناه گوساله پرستی مورد بخشش واقع شد. با گناه گوساله پرستی روح ناپاک^{۱۶} دوباره وارد این جهان شد و حالا جهان می بایست دوباره به حالت اولیه خود یعنی به حالت قبل از گناه اول برگردد. ملت خاصی می بایست بوجود می آمد (آم یاحید) و جهان می بایست بار دیگر به محدوده خصوصی (رشوت یاحید) تبدیل میشد. بنابراین می بایست آنچنان گرد هم آیی ایجاد بشود که در آن مردم به نوعی وحدت و یگانگی برسند.

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد اول ص ۱۸۷ الی ۱۹۲)
(Source: Likkutei Sichot, Vol. 1, pp. 187-192)

این نوع شبات نیز به نوبه خود تمامی روزهای هفته آینده^{۱۰} او را تحت تاثیر قرار میدهد و شبات هفته آینده را دارای قدوسیت دوبرابر می کند. به این ترتیب دومین و سومین سؤال نیز پاسخ داده شد. حتی اگر چه حفظ شبات قبلا در ده فرمان دستور داده شده بود کلمات آغازین پاراشای این هفته توضیح میدهد که چگونه انسان می تواند روح شبات را کسب کند.

۵- منشأ بت پرستی

ارتباط ما بین گردهم آیی بیسرائل ها که در فردای روز کیبور واقع شد و فردای روز کیبور نیز قابل درک^{۱۱} است. فرمان نگاهداری شبات نیز بخودی خود کفارهایی برای گناه گوساله پرستی بود. ربام منشأ بت پرستی را در این حقیقت میداند که نظارت الهی از طریق پدیده های طبیعی منتقل می شود. مثلاً میوه های بسیاری بوسیله نور خورشید به ثمر می رسند و بسیار چیزهای دیگر بوسیله نور ماه^{۱۲}. اگر چه کسانی که آنها را پرستش میکردند آنها را صرفاً پدیده هایی برای انتقال نظارت الهی می دانستند ولی برای آنها اهمیتی خدایی قائل می شدند. اشتباه آنها آن بود که این پدیده ها را قابل پرستش تلقی میکردند در حالی آنها مخلوقات الهی بودند و همچون "تبری در دست هیزم شکن". با توجه به مطالب بالا، اشتغال زیاد از حد به کار و دنیای مادی نیز خود نوعی بت پرستی به حساب می آید^{۱۳}. به طریق مشابه این اشتغال شامل این طرز تفکر اشتباه می باشد که انسان اهمیتی بیش از اندازه به چیزهایی میدهد که صرفاً وسیله و راهی برای کسب برکات الهی هستند. این اشتغال فکری و ذهنی همچون سرفرود آوردن به چیزهایی است که از خود قدرتی ندارند. تنها زمانی که انسان درک کند که کار او صرفاً ایجاد یک راه طبیعی برای کسب برکات الهی می باشد است که این کار یک شکل مفعولی بخود میگیرد و افکار او تنها بسوی خداوند متمرکز می شود.

و تنها به این صورت است که گناه بت پرستی به هر شکل مورد بخشش واقع می شود. شش روز کار مفعول به طریقی که فکر و ذهن انسان خارج از دنیای کار باشد انسان را وادار به درک این مطلب می کند که کار او فقط ایجاد یک وسیله برای کسب برکات الهی ایست و این طریقی است که بوسیله آن غریزه بت پرستی از بین رفته و گناه آن بخشوده میشود.

۱۰- شبات ۱۱۹ الف. زوهر بخش سوم ۲۹ الف لیکوتی زوهر تیکون ۲۱ (۴۶ الف) ۱۱- هیلخوت اکوم ۱۰۱

۱۲- دواریم ۱۴، ۳۳ ۱۳- لیکوتی توره آخری ۲۷ ج و معمار مییم ۵۷۱۷